خبر روز

کنگره بزرگداشت ۱۸هزار شهید خراسان رضوی منتشر کرد:

فراخوانی برای تولید فیلم‌نامه فیلم کوتاه

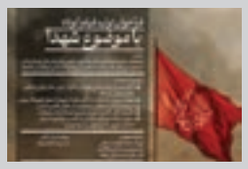

رضا میرزاده| سخنگوی کنگره بزرگداشت ۱۸هزار شهید استان خراسان رضوی از انتشار فراخوان تولید فیلم کوتاه ۲۰۰ ثانیه ای با موضوع شهدا خبر داد. محمد حسین زاده ضمن اعلام این خبر گفت: با توجه به اینکه فیلم کوتاه، از جمله قالب های هنری است که می تواند با مخاطب ارتباط خوبی برقرار کند، در راستای اهداف کنگره ۱۸هزار شهید خراسان رضوی مبنی بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و الگوسازی شهدا به عنوان قهرمانان حقیقی ایران، فراخوان تولید فیلم نامه فیلم کوتاه ۲۰۰ ثانیه ای توسط دبیرخانه این کنگره منتشر شده است. وی افزود: علاقه مندان به شرکت در این رویداد می توانند فیلم نامه های خود را تا تاریخ ۱۵ مردادماه امسال، در قالب فایل PDF و از طریق آی دی amirsghn@ یا شماره های ۰۹۳۸۳۷۷۸۰۲۶ و ۰۹۹۱۰۳۹۳۲۶۱ از طریق پیام رسان ایتا به دبیرخانه برگزاری این رویداد ارسال کنند. حسین زاده بیان کرد: پس از پایان مهلت ارسال فیلم نامه ها و داوری آثار توسط جمعی از استادان سینما، سه فیلم نامه برای تولید و ساخت فیلم انتخاب می شود و فیلم های تولیدی نیز هم زمان با اجلاسیه پایانی کنگره بزرگداشت ۱۸هزار شهید استان خراسان رضوی که زمان آن متعاقبا اعلام خواهد شد، نمایش داده می شود. میزان حمایت مالی برای تولید فیلم از فیلم نامه های منتخب نیز بسته به فیلم‌نامه های ارائه شده و نوع ساخت و تولید فیلم ها خواهد بود.

رقابت تنگاتنگ پرامیدها

تصویر گیشه سینمای ایران در حال تغییر است

محمد عنبرسوز

نمایی از فیلم «آنجا همان ساعت»

گزارش روز

با شروع گرم ترین ماه سال، سینمای ایران نیز وارد دوران تازه‌ای از اکران سال جاری می شود؛ با ترکیبی که یکی از پرامیدترین برهه های سال در میزان فروش خواهد بود. این ترکیب، از منظر تنوع، چندان تمایزی با اکران نوروزی یا اکران اواخر بهار ندارد؛ اما شواهد و قرائن حاکی از این هستند که از منظر کیفیت، آثاری که روی پرده می روند، با توجه به سوابق فیلم سازان و رژه ستاره ها، می توانند روزهای باشکوه و داغی را برای سینمای ایران رقم بزنند. در این مطلب، مروری داریم بر آثار گیشه مرداد که یا کار خود را آغاز کرده اند یا به زودی وارد چرخه اکران خواهند شد.

اتاقک گلی /محمد عسگری

کارگردان «آسمان غرب»، قبل از اینکه به پروژه شهید شیرودی بپردازد، فیلم دیگری در ژانر دفاع مقدس ساخته بود که در جشنواره فیلم فجر هم به نمایش درآمد، اما تا امروز به اکران عمومی نرسیده است. «اتاقک گلی» یک اکشن بی ادعا و کم خرج است که لحظات تأثیرگذار پرشماری دارد و با وجود مقادیر زیادی خون و جنگ، رگه های انسانی و اخلاقی در آن مشهود است. بازی تورج الوند در نقش اصلی این اثر بسیار چشمگیر و باورپذیر از آب درآمده است؛ هرچند الوند هم بازیگر گیشه نیست و احتمالا فیلم با فروشی پایین به کار خود خاتمه خواهد داد.

این روایت که مرتبط با عملیات مرصاد است، به شکل آبرومندی مقابل دوربین رفته و از منظر مختصات اجرایی، در زمره آثار باکیفیت دفاع مقدس قرار می‌گیرد. گفته می شود که «اتاقک گلی» از روز هشتم مردادماه به چرخه اکران سینمای ایران اضافه خواهد شد.

جزایر قناری/عادل معصومیان

یک فیلم کمدی با بازیگران نام آشنا و امتحان پس داده این ژانر، از جمله پژمان جمشیدی، بیژن بنفشه خواه، بهرنگ علوی و امیرمهدی ژوله، به کارگردانی یک چهره نسبتا ناآشنا به نام عادل معصومیان از چند روز قبل روی پرده سینماهای کشور رفته و هنوز بازخوردهای دقیقی از میزان فروش آن مخابره نشده است. در خلاصه داستان این اثر آمده: «منوچ رئیس مافیای مواد مخدر، رضایت به آزادی موقت بیژن و نعیم از زندان می دهد تا کار نیمه تمام خود را تمام کنند...». «جزایر قناری» یک اثر پرزرق وبرق است که رنگ های متنوع و شاد در مواجهه اولیه مخاطب با اثر خودنمایی می‌کنند. حضور پژمان جمشیدی، ستاره پرفروش آثار کمدی، می تواند برگ برنده این فیلم باشد؛ ضمن اینکه حسین مهکام (کارگردان «بی حسی موضعی»، «احمد به تنهایی» و «عینک قرمز») در مقام تهیه‌کننده این اثر، احتمال اکران یک کمدی روشنفکرانه و مدرن را تقویت می‌کند.

زعفرانیه ۱۴تیر / علی هاشمی

کارگردان مجموعه تلویزیونی «مستوران»، فیلم «زعفرانیه ۱۴تیر» را در سال ۱۳۹۸ ساخته و حالا با فاصله زمانی حدود شش ساله، اثر خود را به اکران عمومی رسانده است. فیلم نامه این اثر، توسط جابر قاسمعلی به رشته تحریر درآمده است. نویسنده باسابقه ای که فیلم نامه آثار مخاطب پسندی مثل فیلم «تلفن همراه رئیس جمهور» و سریال خیابان خلوت‌کن «نرگس» را در کارنامه دارد. با این حال، بعید است که فیلم نامه جدید قاسمعلی چندان به مذاق نسل جوان و سینمارو امروز خوش بیاید.

«زعفرانیه ۱۴تیر» یک قصه اجتماعی-خانوادگی مربوط به یک خانواده بسیار مرفه را روایت می‌کند و بازیگرانی همچون مهدی هاشمی، نازنین بیاتی و مسعود رایگان در آن به ایفای نقش پرداخته اند. حاشیه مهم این فیلم، حضور هنگامه قاضیانی در میان بازیگران این اثر است؛ بازیگری که مدتی درگیر مسائل حاشیه ای بود و حالا به نظر می رسد یکی از دلایل تأخیر در اکران این فیلم بیات شده، حضور این هنرپیشه بوده است.

مرد عینکی / کریم امینی

پرامیدترین فیلم اکران تابستان امسال در گیشه، همین کمدی کنجکاوی برانگیز از کارگردان و ستاره فیلم پرفروش «فسیل» است. کریم امینی که با فیلم قبلی خود توانست رکوردهای سینمای ایران را جابه جا کند، حالا با همان بازیگر محبوبی که بی شک بخشی از فروش نجومی «فسیل» مدیون نقش آفرینی او بود، به چرخه اکران سینمای ایران بازگشته است.

«مرد عینکی» یک کمدی بدنه است که بهرام افشاری تک ستاره آن محسوب می شود. هرچند مهدی هاشمی و هومن حاجی عبداللهی نیز در این فیلم به ایفای نقش پرداخته اند، اما آنچه احتمال فروشش را بالا می برد، حضور شخص بهرام افشاری است که در سال های اخیر یکی از پول سازترین هنرپیشه های سینما و تلویزیون بوده و می تواند برگ برنده این اثر در گیشه باشد؛ ضمن اینکه از شواهد و قرائن برمی آید «مرد عینکی» حاوی ارجاعات اجتماعی و سیاسی ریز و درشتی هم هست که تجربه ثابت کرده این کنایه ها در قالب طنز حسابی به مذاق مخاطب خوش می آیند.

زن و بچه /سعید روستایی

در آثار اجتماعی پرفروش سینمای ایران طی یکی دو دهه اخیر، معمولا چند فاکتور دخیل هستند: تیم بازیگران، سابقه کارگردان، جسارت فیلم ساز در طرح موضوع های نفس‌گیر و البته ریتم مناسب. فیلم جدید سعید روستایی، از این چهار عنصر برخوردار است؛ اما نه به شکل تام و تمام. «زن و بچه» را می توان یک اثر سرگرم‌کننده و خوش ریتم دانست که به هرحال مخاطب راتحت تأثیر قرار می دهد. با این حال، بدون کوچک ترین شک و شبهه ای، ضعیف ترین اثر کارنامه روستایی هم هست.

در میان بازیگران این فیلم پرستاره، پریناز ایزدیار و پیمان معادی نقش های اصلی را ایفا می‌کنند و سهانیاستی نیز همراه ایشان است. دو بازیگر نخست، به مراتب از استاندارد خودشان پایین تر هستند، اما در عوض فرشته صدرعرفایی و حسن پورشیرازی بازی های بهتری را تقدیم مخاطب می‌کنند. «زن و بچه» بیش از حد توان سینمای ایران تلخ است و سردرگمی و تشتت نیز در آن موج می زند.

ترک عمیق / آرمان زرین کوب

یکی دیگر از آثار تلخ گیشه تابستان، فیلم سرد و حزن آلود آرمان زرین‌کوب است؛ روایت مردی که به تازگی از آسایشگاه روانی مرخص شده و به خانه آمده، اما همسرش به شدت از او متنفر است. با باز شدن ناخواسته پای یک پلیس جوان به این خانه، ماجرا وارد فاز تازه ای می شود تا به سکانس ناامیدکننده پایانی برسد.

نقش های اصلی فیلم «ترک عمیق» را رضا بابک، گلچهره سجادیه و بابک انصاری ایفا می‌کنند و فیلم هیچ هنرپیشه دیگری ندارد. تمام فیلم در یک لوکیشن سرد و بی روح فیلم برداری شده و ریتم قصه نیز به شدت کند است. بازی رضا بابک و گلچهره سجادیه از نقاط قوت این اثر به حساب می آید؛ اما این دو هنرپیشه مسن نمی توانند مخاطب را به سینما بکشند و فروش «ترک عمیق» را بالا ببرند. از همین حالا می توان مطمئن بود که فیلم آرمان زرین‌کوب هم در رده های پایین فروش سال جاری سینمای ایران جا خوش کند.

پیرپسر/ اکتای براهنی

در کنار همه این آثار، «پیرپسر» هم هنوز یک اثر تازه نفس در سینمای ایران است. نخستین روزهای اکران فیلم جدید اکتای براهنی با حمله اسرائیل به ایران هم زمان شد و فیلم نتوانست روند روبه رشد خودش در گیشه را ادامه دهد. در روزهای اخیر اما، واکنش های تند برخی منتقدان و کارشناسان فرهنگی به محتوای «پیرپسر»، اتفاقا اشتیاق مردم برای تماشای این درام نفس‌گیر و سه ساعته را بیشتر کرده و در روزهای آخر تیرماه، حدود شصت درصد از فروش کل سینماهای ایران به این اثر اختصاص داشت. «پیرپسر» یک ماجرای خونین و پر از خشم و نفرت را، در دل یک خانواده سه نفره، با ریتمی مناسب روایت می‌کند. بازی حسن پورشیرازی در این اثر خیره‌کننده است و حامد بهداد و لیلا حاتمی هم اجراهای تمیزی دارند. ستاره اصلی «پیرپسر» اما، اکتای براهنی، در مقام کارگردان و نویسنده، است که توانسته فیلمی در قامت سینما و متناسب با ذائقه مخاطبان امروزی بسازد.

آنجا همان ساعت/ سیروس الوند

اثر جدید کارگردان «دست های آلوده»، یکی از آثار میان رده سینمای ایران است که پرویز پرستویی، ماهور الوند و شهرام حقیقت دوست ستاره های آن هستند؛ سه بازیگری که با وجود کیفیت بالا در اجرای خود مقابل دوربین، چندان در جذب مخاطب اثرگذار نیستند و در اصطلاح بازیگران گیشه به حساب نمی آیند. نام امیرحسین فتحی، پسر حسن فتحی، نیز در فهرست بازیگران این اثر دیده می شود. شخص سیروس الوند، به عنوان یک فیلم ساز باتجربه و خوشنام، هم زمان کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی این اثر را بر عهده دارد. در خلاصه داستان فیلم «آنجا همان ساعت» که یک اثر اجتماعی است، آمده: «رعنا (معلم مقطع ابتدایی) و امیر (کارگر کارگاه بلورسازی) زندگی عاشقانه خود را در محله قدیمی، در حاشیه شهر، آغاز کرده اند غافل از آنکه شیطنتی جنون آمیز خوشبختی ساده آن ها را نشانه گرفته است». به نظر نمی رسد که این فیلم چندان به مذاق مخاطبان سینمای ایران خوش بیاید و بتواند حتی فروش متوسطی را به ثبت برساند.

نقد روز

دچار سندرم روشنفکری

نگاهی به فیلم «پیرپسر» که همان برادران لیلای ۲ است!

میرحسین ظریف

«پیرپسر» را می توان طبق ادعای تیتراژ پایانی فیلم، اقتباس آزادی از رمان های کلاسیک درنظر گرفت، ولی فقط یک نگاه سطحی این ادعا را باور می‌کند! این فیلم دچار سندرم رایج یکی دو دهه اخیر در میان فیلم سازان روشنفکر ایرانی است: نمایش اغراق آمیز و گاه نادرست از تقابل دو ایران، در حوزه هایی چون سنت و مدرنیته، مذهب و ملیت، حکومت و مردم. تقابلی که به صورت جدی و هنرمندانه در «جدایی نادر از سیمین» با نمادهایی لایه دار و مستترِ همه پسند آغاز شد و در سال های اخیر با فیلم «برادران لیلا» به شکل سطحی و کم بنیه با نمادهای گل درشتِ جشنواره خارجی پسند ادامه یافته است.

استخوان دارتر از برادران لیلای ۲

«پیرپسر» را می توان برادران لیلای ۲ ولی خب استخوان دارتر از آن قلمداد کرد. فیلمی که با پروموت عجیب آن توسط اهالی سینما و توقیف شاید حساب شده آن که هر دو احتمالا بخشی از کمپین پرهزینه فیلم بوده است، برای اکران عمومی هیجان تماشا ایجاد کرد و نتیجه هم گرفت و با استقبال قابل توجهی روبه رو شده است.

فیلم، قصه تقابل پدری دیکتاتور، عیاش و خودمحور با پسرانش برای تخریب و بازسازی خانه قدیمی به شکل مدرن و دعوای هم زمان پدر و پسر بر سر به دست آوردن زنی میان سال ولی زیباست. این قصه یک خطی که اگر قصد تماشای فیلم را دارید، ادامه نقد را نخوانید، مملو از نماد و نشانه است. از نقد فنی فیلم می‌گذرم که به جز طراحی صحنه و فیلم برداری و نورپردازی و بازی حسن پورشیرازی و تا حدی فیلم نامه لایه دارش، حرف زیادی برای گفتن ندارد. ولی پرواضح است که نویسنده-فیلم ساز روشنفکری که نام بزرگ پدرش را نیز یدک می‌کشد، شاید از سر خشم، سیاه نمایی کاذب کرده است و به تعبیری شاید از حمایت اولیه پدرش از انقلاب نیز تبری جسته است! پدر این فیلم همان پدر برادران لیلاست که شرم می‌کنم نمادسازی غلط هر دو فیلم ساز بر روی پدر را اینجا بیان کنم.

این پدر که نقش ضحاک ماردوش را بر پشت خود خالکوبی کرده، مغز و آینده دو پسر جوانش را که یکی نماد عمل است و آن یکی نماد تفکر می خورد و می سوزاند و مانع تغییر وضعیت خانه-حکومت از سنتی و آشفته به مدرن و منظم می شود. پدر فقط یک بار به معامله خانه راضی می شود. آن هم هم زمان با پخش صحبت های ترامپ! و خواسته اش معامله نقد است! او سپس با پسر اهل فکر و اندیشه اش بر سر زنی میان سال، نجیب، زیبا و اهل فرهنگ و هنر که همان ایران و میهن است، رقابت می‌کند.

پسری خوب و اهل مطالعه که میراث مادرش (خانه-حکومت) را پدرش پس از انقلاب با تظاهر مذهبی (متن فیلم) تصاحب کرده! زن-ایرانی هم که بر سرش رقابت است، می خواهد زیبایی اش دیگران را خیره کند و آزاد باشد و زندگی کند. (از متن فیلم) زن-ایرانی که به جوان-اندیشه گرایش دارد، ولی به خاطر نیاز مالی و مشکلات اقتصادی گروگان مرد دیکتاتور است، لحظه ای که تصمیم می‌گیرد خود را از بند پول رها کند و به آغوش اندیشه پناه آورد، دیگر دیر شده است. او به دست مرد دیکتاتور نابود می شود! و جوانان اهل فکر و عمل نیز که سرگرم فوتبال و... (مکتب فرانکفورت) شده بودند، خیلی دیر جلوی پدر می ایستند. پدری که چون مالک خانه است، تلویزیون (نماد رسانه) را می شکند! ولی پسران بالاخره در خانه-حکومت-زندانی خودساخته، خود و پدر را باهم به زیر می‌کشند و یک ویرانی از خود به جا می‌گذارند. و تیتراژ پایانی با موسیقی معروف و بسیار غم انگیز ساموئل باربر بر روی صحنه های خانه بر این امر صحه می‌گذارد!

به خودمان برمی گردد!

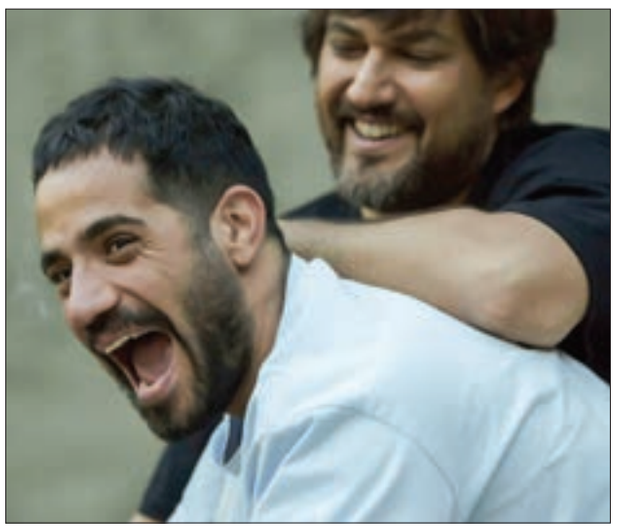

در باب شکست نهاد خانواده که گوشه ای از آن دیکتاتوری پدرانه در خانواده ها در سده گذشته بوده است، می توان ساعت ها سخن گفت. از تنهایی اهل فکر و اندیشه و نحیف بودن-شدن توان آن ها برای جلوگیری از زورگویی و اهمال گذشتگان نیز همچنین، ولی حقیقتا مسئله فیلم این ها نیست. حتی رمان های اقتباسی تیتراژ هم به زعم بنده کشک است! این فیلم دچار یک سیاه نمایی کاذب و مبتذل شده است و خشم های فروخفته خود را چنین برون ریخته است. فیلمی با این همه نماد و نشانه که فقط برخی از آن ها را ذکر کردم، نباید هم توقیف می شد! اتفاقا معتقدم باید تمام دیدگاه ها آزادانه فیلم بسازند و با فیلم سازی که روش فلسفه‌گویی دنیای مدرن است، گفت وگو و طرح بحث کنند. ولی از آن طرف، توقع از مخاطب سینمایی فرهیخته و پیشرو و اثرگذار جامعه این است که سواد خود را بالا ببرد و با فهم ابعاد و پیشینه تاریخی و جغرافیایی ایران و جنگ تمدنی غرب و شرق که تأثیر بسزایی در رسیدن ما به این نقطه داشته و نه آنچه فیلم سازان جشنواره خارجی پسند و روشنفکرپسندی که خود و تهیه کنندگانشان منتفعان تحریم و تورم و ... بوده اند، می‌گویند، درست تحلیل و بررسی و ادراک کند.

فیلم سازی چون نعمت ا... با پورشیرازی، پیرپسری به نام فریدون مهربان است را می سازد و اکتای براهنی با همان پورشیرازی، این پیرپسر را. کدام را باید باور کنیم. به خودمان برمی‌گردد!